ادامه از صفحه ۲

نه ولایت تنوری و نه ولایت قانونی؛ هیچ‌یک از این دو مشکل وحدت را حل نمی‌کند

اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط باهم‌بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصّل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

۱- اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی اینکه نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تنوری و نه می‌گویم ولایت قانونی؛ هیچ‌یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاصّ عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این‌همه شهید.

۲- اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام.

۳- به‌کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند.

۴- مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهند.

۵- در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بداند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌مبالاتی و به‌خاطر احساسات و جلب برخی از آراء احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشاند.

حکومت تنها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم ازهم‌پاشیدن خانواده است. اگر به اصول عمل شد، آن‌وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.

در ادامه این وصیت‌نامه، سردار شهید قاسم سلیمانی، خطاب به برادران سپاهی و ارتشی نوشت: «ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرتِ اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی‌کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جزء نیست، بلکه اساس بقای نیروهای مسلح است. این شرط خلل‌ناپذیر می‌باشد. نکته دیگر، شناخت به‌موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع؛ هر یک از اینها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد».

شهید سلیمانی همچنین خطاب به علما و مراجع معظم نوشت: «سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علمای عظیم‌الشأن و مراجع گران‌قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی‌ها هستند، خصوصا مراجع عظام تقلید. سربازتان از یک برج دیده‌بانی، دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است. این‌بار اگر مسلط شوند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیندازند. همه شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی‌فقیه است. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خنّاسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق‌به‌جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی (ره) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظم با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل برگشت خواهد بود. دست مبارکتان را می‌بوسم و عذرخواهی می‌کنم، از این بیان، اما دوست داشتم در شرف‌یابی‌های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد».

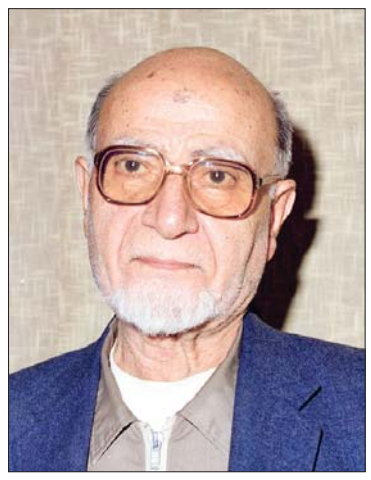

روزهایی که ایران ۲ دولت را تجربه کرد

جدال بازرگان - بختیار

در روزشمار ایام انقلاب، ۲۲ بهمن علاوه بر آنکه سالروز پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود، سالروز انحلال دولت بختیار نیز هست. در ۱۵ دی سال ۵۷ و در پی سقوط دولت غلامرضا ازهاری، بختیار، عضو ارشد جبهه ملی، از سوی محمدرضا پهلوی مأمور تشکیل کابینه جدید شد و به فاصله یک روز، کابینه پیشنهادی خود را به شاه معرفی کرد. محمدرضا پهلوی که در آن زمان حکومتش رو به زوال بود، به دنبال شخصی می‌گشت که با خروجش از ایران در شرایط قابل قبول و محرمانه موافقت کند. به همین منظور، ابتدا با احمد بنی‌احمد و کریم سنجابی دیدار و از آنها درخواست پذیرش نخست‌وزیری دولت را کرد. سنجابی با استناد به اعلامیه سه‌ماده‌ای و مخالفت با باقی‌ماندن ارتش در خانواده سلطنتی و خودداری شاه از کناره‌گیری از سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح، حاضر به مصالحه با شاه و پذیرش این سمت نشد. محمدرضا پهلوی سپس با مظفر بقایی و غلامحسین صدیقی، دیگر رهبر جبهه ملی، دیدار کرد و به آنان پیشنهاد دردست‌گرفتن دولت را داد؛ اما هریک از آنان به دلایلی از پذیرفتن حکومت سر باز زدند. پیشنهاد نخست‌وزیری شاه به صدیقی و بقایی به این دلیل شکست خورد که هر دو قبول این درخواست را مشروط به ماندن محمدرضا پهلوی در ایران و جایی دور از تهران کرده بودند. استدلال این دو، آن بود که حضور شخص شاه در ایران، به دلیل ارتباط نزدیکی که با ارتش دارد، سبب حفظ یکپارچگی و انسجام ارتش می‌شود.

بختیار، از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی، با ارائه شرایط هفت‌گانه‌ای پذیرفت که مسئول یک دولت غیرنظامی شود. آن شرایط عبارت بودند از: شاه از کشور خارج شود و تعهد کند از این به بعد سلطنت کند و نه حکومت، انتخاب وزرا منحصر به خودش باشد، ساواک منحل شود و ۱۴ نفر از نظامیان سرسخت ازجمله غلامعلی اویسی تبعید شوند، زندانیان سیاسی آزاد شوند، شرایط آزادی مطبوعات فراهم شود، بنیاد پهلوی به دولت منتقل شود و کمیسیون شاهنشاهی که در تمام امور دخالت می‌کند، حذف شود. شاه با قبول تمام شرایط او، در ۹ دی ۱۳۵۷ بختیار را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

بختیار با وجود مخالفت جبهه ملی و بدون توجه به رأی شورای مرکزی مبنی بر خودداری اعضا از پذیرش نخست‌وزیری، این سمت را قبول کرد. با توجه به عدم تمکین بختیار از این موضوع، او از جبهه ملی طرد شد و تمام اعضای آن در رأی‌گیری که دراین‌باره انجام شده بود، به اخراج بختیار از جبهه ملی و همین‌طور حزب ایران رأی دادند. بسیاری از دوستان و هم‌حزبی‌های بختیار، او را خائن و سلطنت‌طلب خواندند و او را متهم کردند که با نخست‌وزیرشدنش، اعتبار و حیثیت جبهه ملی و خط مصدق را از بین برده و تک‌روی کرده است. این در حالی بود که به گمان بختیار، وی به هدف حزبی که کسب قدرت از طریق مخالفت قانونی است، پایبند بود و اکنون که بالاترین منصب قانونی ممکن در حکومت پهلوی به او پیشنهاد شده بود، دلیلی برای امتناع از پذیرش نمی‌دید. بختیار پس از اینکه یاران حزبی قدیمی‌اش را با خود همراه ندید، با توجه به دشواری انجام وظیفه در پیامی در دی‌ماه ۱۳۵۷، دست همیاری به سوی مردم دراز کرد و در انتهای پیامش، بیتی از چکامه مرغ طوفان غلامعلی رعدی‌آذرخشی را چاشنی کرد که: «من مرغ توفانم نیندیشم ز طوفان/ موجم، نه آن موجی که از دریا گریزد». اشاره او به این شعر باعث شد بعدها هم موافقان و هم مخالفان وی از او با عنوان مرغ توفان یاد کنند. پس از پذیرش نخست‌وزیری، بسیاری از افراد، نظیر طبقه متوسط شهری، روشنفکران، سازمان‌های سیاسی چپ، ملی‌گرا و لیبرال از او حمایت نکردند و به افرادی تبدیل شدند که ظاهرا خواسته و آرمانشان برقراری یک نظام جدید بود.

افرادی که در آن زمان حامی دولت بختیار بودند، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. مهشید امیرشاهی از معدود کسانی بود که به صورت علنی از بختیار حمایت کرد و در شماره ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه آیندگان، مقاله‌ای با عنوان «کسی نیست از بختیار حمایت کند؟» منتشر کرد. او در مصاحبه‌ای، بختیار را به‌عنوان «جلوه و اسوه کمال انسانی و خرد» ستود. در یکی از رمان‌های امیرشاهی، راوی داستان بعد از شنیدن خبر نخست‌وزیری بختیار، با خود می‌گوید: «پس بالاخره اوضاع خوب شد. آرزوی آدم‌هایی مثل من بالاخره به حقیقت پیوست. از فردا، می‌توانیم زندگی کنیم، تحت حمایت یک دولت محبوب که کنترل را به دست خواهد گرفت، اصلاحات را آغاز خواهد کرد و امنیت را برقرار خواهد ساخت».

بختیار دولت خود و برنامه آن را در ۲۰ دی ۱۳۵۷ به مجلسین (شورای ملی و سنا) معرفی کرد و در ۲۶ دی ۱۳۵۷ بختیار به همراه وزرایش با ۱۴۹رأی موافق، ۴۳ رأی مخالف و ۱۳ رأی ممتنع از مجلس رأی اعتماد گرفت. تنها دقایقی پس از اخذ رأی اعتماد محمدرضاشاه که در فرودگاه انتظار می‌کشید، در ۲۶ دی ۱۳۵۷ به همراه فرح دیبا از کشور خارج شد. در آخرین لحظات خروج شاه از ایران، بختیار به وی اطمینان داد همه تلاش خود را برای حفظ کشور به کار بندد. ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ بختیار در مجلس شورای ملی گفت دولت او که همواره به اهداف جبهه ملی چشم خواهد دوخت، ثمره انقلابی است که از دو سال پیش درگرفته و او میراث‌دار ۲۵ سال آشفتگی است که هیچ سهمی در آن جز زندان، تبعید و گوشه‌نشینی نداشته است.

بختیار در همان بدو نخست‌وزیری با حضور در احمدآباد، تبعیدگاه مصدق و سوگند یادکردن بر مزار او با آرمان‌های مصدق بار دیگر تجدید میثاق کرد. پس از سقوط مصدق این نخستین بار بود که نخست‌وزیری، اولین سخنرانی خود را با ادای احترام به مصدق، در کنار تصویر او و ننگین‌خواندن کودتای ۲۸ مرداد آغاز می‌کرد. بختیار با تقدیم لایحه قانونی به هیئت‌رئیسه مجلس، خواستار اعاده حیثیت از محکومان دادگاه نظامی از تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به این‌سو و محاکمه همه نخست‌وزیران و وزیران دولت‌های ۲۵ سال اخیر شد. از دیگر نخستین تصمیمات او، برداشتن تصاویر رسمی شاه از دفاتر سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور است.

پس از ورود امام به ایران تا ۲۲ بهمن شاهد حضور دو دولت در ایران بودیم. بختیار و بازرگان هر دو در پی اثبات مقام مشروعیت خود و ارائه ادله درخصوص عدم مشروعیت رقیب برآمدند. بازرگان منشأ مشروعیت مقام نخست‌وزیری‌اش را انتصاب از سوی فرمان امام می‌دانست و به این دلیل مشروعیت ملی مقام نخست‌وزیری بختیار را رد کرد. او در این‌باره گفت: «مگر قانون اساسی زاییده انقلاب مشروطیت و معرف اراده ملت نیست؟ ملت آمده به شاه گفته است که آقا آنچه که ادعا می‌کنی موهبتی است الهی که از مردم، از ناحیه ملت به شاه واگذار می‌شود، خوب ما این موهبت را و این واگذاری را پس گرفتیم... هزار بار مردم این مملکت این قانون اساسی را با آن زوائدش نفی کردند، طرد کردند پاره‌پاره کردند. حالا ایشان می‌خواهد این را زنده کند».

در مقابل بختیار مشروعیت دولت خود را صرفا نه مبتنی بر فرمان شاه یا رأی اعتماد از مجلسینی که نمایندگانشان در انتخابات غیرآزاد تعیین شده بودند، بلکه پشتوانه خودش را بیشتر بر اساس قانون اساسی مشروطه می‌دانست. او در ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ در سخنرانی در شورای ملی در جواب بازرگان چنین گفت: «افرادی را می‌شناسم که تا دیروز طرفدار جدی قانون اساسی و امروز آن را منسوخ می‌دانند غافل از این‌که قانون گناهی نکرده، بلکه مجریان آن گناهکار بوده‌اند... قانون اساسی که شما و مرا به این‌جا آورده و به آن گرانی تمام شده، برای آن مجاهدت‌ها شده، حالا باطل شده؟ چه کسی باطل کرده است؟ چگونه مصدق و بقیه نخست‌وزیر شدند و فرمان آنها صحیح بود ولی فرمان من غلط بود. وقتی گفتیم رو به دموکراسی می‌رویم، مقصود این بود که باید با آزادی همراه باشد نه با آزادی یک عده، وقتی صحبت از قانون اساسی می‌کنیم، صحبت از اجرای صحیح قانون اساسی می‌کنیم».

سرانجام بختیار در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از آنکه ارتش بی‌طرفی خود را اعلام کرد، یک ربع مانده به ساعت دو بعد از ظهر قبل از آنکه ساختمان نخست‌وزیری به دست مردم بیفتد، محل کار خود را ترک کرد تا ۳۷ روز نخست‌وزیری پرالتهابش به پایان برسد. بختیار چاره‌ای نداشت جز اینکه با هلیکوپتری به مخفیگاه خود برود و چندهفته‌ای در آنجا باشد. در نهایت او کشور را ترک کرد و به فرانسه رفت و قریب به ۱۳ سال بعد در یک سوءقصد کشته شد.

مجید انصاری:

با خالی‌کردن صحنه اندیشه خود را به غیر واگذار می‌کنیم

مجید انصاری، عضو مجمع روحانیون مبارز، در نشست حزب ندای ایرانیان گفت: «مشارکت حداکثری به گرم‌شدن انتخابات کمک می‌کند و می‌تواند مجلس را از یک‌صدایی به چندصدایی هدایت کند». انصاری افزود: «اصلاح‌طلبان به دلیل وضعی که به وجود آمد و هفت تا هشت نفر از دبیران کل احزاب رد صلاحیت شدند، در شورای عالی تصمیم گرفتند به‌عنوان شورای عالی اصلاح‌طلبان لیست نداشته باشند». به گزارش «ایرنا»، انصاری یادآور شد: «شورای عالی اصلاح‌طلبان البته به احزاب مجوز داد که لیست داشته باشند و سیدمحمد خاتمی هم در جلسه اخیر تأکید داشتند احزابی که کاندیدا نداشتند، از یأس و تخریب کسانی که شرکت کرده‌اند، پرهیز کنند». این نامزد یازدهمین دوره انتخابات مجلس گفت: «آقای خاتمی به شورای عالی توصیه کردند هرکجا که نامزد دارند، از نامزدهای اصلاح‌طلب در سراسر کشور حمایت شود». انصاری تأکید کرد: «قرار بود لیست انتخاباتی جمعی از احزاب اصلاح‌طلب شب گذشته نهایی شود که به‌زودی نهایی می‌شود. ظاهرا حزب کارگزاران هم لیست مستقل می‌دهد که ۱۰ تا ۱۵ نفر از نامزدها مشترک هستند. حزب کارگزاران لیست ۲۲نفره یا ۲۳نفره ارائه می‌دهد». وی خاطرنشان کرد: «ما امروز در مسابقه‌ای شرکت می‌کنیم که تیم مقابل پنج، شش ماه پیش خود را گرم کرده؛ اما ما هنوز دنبال اعضای تیم هستیم». عضو مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه نفس شرکت پیروزی و انجام وظیفه است، گفت: «من به‌عنوان کسی که در گذشته هم در مجلس بودم، معتقدم حضور یک نفر هم در مجلس می‌تواند مؤثر باشد؛ مشروط بر اینکه شجاعت و برنامه داشته باشد و از تیغ نظارت استصوابی و این شمشیر آویزان نترسد».

مجید انصاری درباره سرلیستی خود گفت: «هم در لیست ائتلاف احزاب اصلاح‌طلب و هم لیست حزب کارگزاران، سرلیست هستم». انصاری خاطرنشان کرد: «اگر به مجلس رفتم، قانون جامع انتخابات را کلید خواهم زد و در سال اول و دوم مجلس باید این قانون اصلاح شده و مرزها تعیین شود. شورای نگهبان الان بخش عمده‌ای از اجرا و نظارت را با هم انجام می‌دهد». وی گفت: «برخی روش‌ها درست نیست؛ با روش‌های تحکم از بالا نمی‌توان جوان امروزی را قانع کرد به سمت دین تشویق شود و این قانون‌ها در مجلس قابل اصلاح است».

عضو مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه با صحنه را خالی‌کردن مشکلات حل نمی‌شود، گفت: «با صحنه را خالی‌کردن فقط اندیشه‌های خود را داوطلبانه به غیر واگذار کرده‌ایم. در صحنه سیاسی کسی تعارف نمی‌کند که بیایید حق خودتان را بگیرید؛ وجود یک اقلیت قوی از یک اکثریت بی‌خاصیت بیشتر است». انصاری تأکید کرد: «مجلس محل کار پارلمانی است نه پارتیزانی و باید با حفظ روحیه تعاملی و مواضع اصلاح‌طلبی، برای منافع مردم تلاش حداکثری کنیم». وی با بیان اینکه از اصل سند برجام دفاع می‌کند، تصریح کرد: قبل از برجام در لبه پرتگاه جنگ قرار داشتیم؛ اما در سایه برجام، آن شش قطع‌نامه لغو شده و اگر کسی بخواهد تعدی کند، متجاوز شناخته خواهد شد و کسی هم از حرف‌های جنگ‌افروز ترامپ دفاع نمی‌کند و طیف وسیعی از مردم آمریکا با این تیم جنگ‌افروز حاکم بر کاخ سفید، مخالف هستند؛ اما این به معنی آن نیست که به لحاظ آمادگی دفاعی و نظامی غافل شویم.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه انسجام داخلی و پیوند بین مردم و حاکمیت از هر چیزی مهم‌تر است، گفت: من اگر جای شورای نگهبان بودم، در این دور از انتخابات سعه‌صدر بیشتری نشان می‌دادم. اگر انتخابات به سمتی برود که مشارکت ۷۰ تا ۷۵ درصدی را رقم بزند، کاربرد آن از هزاران موشک و... بیشتر خواهد بود؛ اما به این واقعیت عریان توجه نشد. او درباره نظارت استصوابی شورای نگهبان گفت: «تفسیر را به‌گونه‌ای انجام دادند که نظارت به معنای اجرا و اصول دیگر قانون اساسی تغییر یافته است. تفسیر استصوابی تا عمق اجرا پیش رفته است. در این شرایط، تکلیف مجری چه می‌شود؟ در کنار این تحقیقات محلی، طنزهایی خلق شده است. یک جوان ۲۰وچندساله می‌رود در یک محله می‌پرسد که فلان روحانی نماز می‌خواند یا خیر؟». انصاری ادامه داد: «شورای نگهبان نظارت سه قوه بر صداوسیما را طوری تفسیر کرده که هیچ اختیاری به سه قوه برای انجام تغییر روش صداوسیما نداده است و تا می‌خواهید حرفی بزنید، می‌گویند مسئولیت صداوسیما با رهبری است. وی گفت: «درباره یارانه‌ها جا داشت از مردم همه‌پرسی می‌شد». انصاری با بیان اینکه یک «تکرار می‌کنم» خاتمی به اندازه تمام ستادهای جناح مقابل کار کرد، افزود: «چهار سال است که با همه توپخانه‌های خود به جان اصلاح‌طلبان افتاده‌اند و مدام ما را تخریب می‌کنند». عضو مجمع تشخیص مصلحت درباره تصویب لوایح مرتبط با FATF گفت: «پیوستن به پالرمو و CFT مشکلات تحریم‌ها و اقتصاد کشور را حل نمی‌کند؛ اما نپیوستن به این قوانین نیز مشکلات را بیشتر خواهد کرد». انصاری عنوان کرد: «حتی دوستان ما هم گفتند اگر نپیوندیم، با ما همکاری نمی‌کنند. ما باید تصمیم بگیریم که عضو جامعه بین‌المللی باشیم یا خیر؟».

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **بدقولی تعمیرکاران:** برخی تأسیساتی‌ها، تعمیرکاران بخاری، آبگرمکن و... بسیار بدقول هستند و هیچ‌وقت برای مشتریان خود ارزش قائل نیستند. کاش اتحادیه این صنف، آنان را ملزم کند از بدقولی جدا خودداری کنند.

از ساکنان خیابان نیکنام جنوبی میدان بازار دوم نازی‌آباد تهران

● **توجه به مشکلات معیشتی کارگران:** تیمی که در حال بررسی حقوق کارگران هستند، لطفا گرانی و مشکلات اقتصادی و معیشتی کارگران را لحاظ کنند و برای افزایش حقوق‌ها تمام جوانب را در نظر بگیرند و با دقت این کار را انجام دهند، مبادا مدیون کارگران شوند.

اکبر از تهران

● **چرا سود سهام عدالت پرداخت نشد؟** قرار بود آخر دی‌ماه سود سهام عدالت به متقاضیانی که نام‌نویسی کرده‌اند، پرداخت شود. چرا مسئولان به تعهدات خود پایبند نیستند؟

محمد یوسفی

بازتاب

● **پاسخ روابط‌عمومی شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران و حومه:**

احتراما خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، یکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ صفحه ۳ با عنوان: هزینه‌های بیهوده در ایستگاه‌های مترو، پاسخ زیر در همان صفحه به چاپ برسد:

با سلام، احتراما ضمن سپاس فراوان از این مسافر محترم، به اطلاع می‌رساند تعویض تعدادی از تابلوهای مخدوش نام ایستگاه‌ها، با هدف رفع نواقص موجود و استانداردسازی تابلوها و علائم و نشانه‌ها در سیستم‌های حمل‌ونقل ریلی درون‌شهری در حال انجام است. لازم به توضیح است که تابلوهای اولیه نصب‌شده در خطوط مترو به صورت برچسب بر روی تابلو نگاشته شده بود که با پاک‌شدن و یا جابه‌جایی و حذف نقاط و سرکش‌های کلمات به مرور زمان، شکل ناخوانا و نامفهوم نام برخی از ایستگاه‌ها منجر به مشکلاتی برای مسافران محترم مترو شده بود و تعویض تابلوهای موردنظر در تعدادی از ایستگاه‌های خطوط، به همین دلیل می‌باشد.